

تکامل فرهنگ

پیشرفت تمدن تا سقوط روم

لسلی ا. وایت

ترجمه: فریبرز مجیدی

انتشارات نسل آفتاب

تهران ۱۳۹۴

www.ketab.ir



انتشارات نسل آفتاب

دفتر انتشارات: خیابان انقلاب، مخ فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، پلاک ۱۴، طبقه دوم، واحد ۳، تلفن: ۷-۶۶۹۷۷۹۶۴ - ۰۹۱۲۱۷۲۵۸۱۰

www.sababook.com

تکمیل فرهنگ

- ♦ مؤلف: لسلی اوایت ♦ مترجم: فریبرز مجیدی
♦ چاپ و صحافی: عاج ♦ ناشر: نسل آفتاب
♦ قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان ♦ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
♦ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۴۷-۳۷-۶ ♦ چاپ اول: ۱۳۹۴
♦ طراحی و صفحه‌رایی: آتلیه گرافیک نسل آفتاب
♦ کلیه حقوق برای انتشارات محفوظ می‌باشد.

سرشناسه	عنوان و نام	پدیدآور
White, Leslie A	تکمیل فرهنگ پیشرفت تمدن تا سقوط روم/ لسلی اوایت؛ ترجمه فریبرز مجیدی	
	تهران: نسل آفتاب، ۱۳۸۹	
	۴۸۸ص	
	۹۷۸-۶۰۰-۵۸۴۷-۳۷-۶	
	غیا	
	عنوان اصلی: The evolution of culture. The development of civilization to fall of rome	
	چاپ دوم	
	چاپ قبلی: نشر دانشستان، ۱۳۷۹	
	پیشرفت تمدن تا سقوط روم	
	تمدن باستان	
	مجیدی، فریبرز، ۱۳۱۹ - مترجم	
	یادداشت	
	یادداشت	
	عنوان دیگر	
	موضوع	
	شماره افزود	

فهرست

۷	پیشگفتار مترجم
۱۵	پیاپی
۲۰	یادداشت‌ها
	بخش اول: فرهنگ ابتدایی
۲۳	۱: انسان و فرهنگ
۴۸	تکنولوژی: شالوده و عامل تعیین کننده نظام‌های فرهنگی
۶۳	علم فرهنگ
۷۰	یادداشت‌ها
۷۵	۲: نیرو و ابزار
۱۱۱	یادداشت‌ها
۱۱۷	۳: ماهیت سازمان اجتماعی
۱۳۵	یادداشت‌ها
۱۳۷	۴: گذر از جامعه انسان‌نماها به جامعه انسانی
۱۸۶	یادداشت‌ها
۱۹۱	۵: برون‌همسری و درون‌همسری
۲۱۶	یادداشت‌ها
۲۱۹	۶: خویشاوندی

۲۵۷	یادداشت‌ها
۲۵۹	۷: ساختار، کارکرد و تکامل نظام‌های اجتماعی انسانی
۳۶۱	یادداشت‌ها
۳۶۷	۸: یگانگی، نظم، و کنترل نظام‌های اجتماعی
۴۱۹	یادداشت‌ها
۴۲۳	۹: سازمان اقتصادی جامعه ابتدایی
۴۶۱	یادداشت‌ها
۴۶۵	۱۰: فلسفه: اسطوره و معارف عامه
۴۸۹	یادداشت‌ها
۴۹۱	۱۱: فرهنگ ابتدایی در نگاهی کلی
۴۹۷	یادداشت‌ها
	بخش دوم: انقلاب کشاورزی و پیامدهای آن
۵۰۱	۱۲: انقلاب کشاورزی
۵۳۶	یادداشت‌ها
۵۳۹	۱۳: دولت - کلیسا: صورت‌ها و کارکردهای آن
۵۷۷	یادداشت‌ها
۵۸۱	۱۴: ساختار اقتصادی فرهنگ‌های پیشرفته
۶۲۰	یادداشت‌ها
۶۲۳	۱۵: الهیات و علم
۶۴۴	یادداشت‌ها
۶۴۵	۱۶: خلاصه
۶۵۲	یادداشت‌ها
۶۵۳	واژه‌نامه
۶۶۹	نمایه

پیشگفتار مترجم

فرهنگ انسان - مثل هر پدیده دیگر در جهان هستی - بر بنیاد قانونمندی‌های خاص خود، مسیر طولانی تکاملی را پیموده است که پژوهشگران تاریخ تمدن انسان از شناخت این قانونمندی‌ها گزیری ندارند. اگرچه سیر تحول فرهنگ در نواحی گوناگون جهان بستگی تام با شیوه زیست، شرایط اقلیمی، و سایر تکیه‌گاه‌های مادی و معنوی موجود در آن نواحی داشته است، اما هرگاه فرهنگ انسانی در کلیتش نگریسته شود قوانین مشترکی استنتاج می‌گردد که تبیین کل فرهنگ انسان - صرف نظر از گوناگونی‌ها و ویژگی‌های محلی - به حد آن‌ها امکان‌پذیر است.

هنگامی که سخن از فرهنگ می‌رود، همه نمودهای مادی و معنوی زندگی آدمی - اقتصاد، خانواده، دین، علم، هنر، معتقادات... - مورد نظرند. فرهنگ‌شناس، به کمک شناخت اشیاء و اسناد بازمانده از دوره‌های تاریخی و دوره‌های ماقبل تاریخ، و با تکیه بر فرضیه‌های علمی به منظور ایجاد ارتباط میان این بازمانده‌ها، و استنتاج قوانین درست در جهت توجیه هر پدیده انسانی، تلاش می‌کند که تغییرات و تحولات این پدیده‌ها را بر بنیاد ضابطه‌های علمی توضیح دهد، و تلاش نهایی وی این است که به کلی‌ترین قوانین جاری بر سیر کلی فرهنگ دست یابد.

بسیار اندک است تعداد فرهنگ‌شناسانی که نه بر پایه پذیرش قبلی یک طرز فکر یا پیشداوری، بلکه صرفاً براساس مطالعه حقایق و رویدادهای زندگی تاریخی انسان به قوانین خاصی در حوزه فرهنگ رسیده باشند. اختلاف نتیجه‌گیری‌های فرهنگ‌شناسان از پدیده‌ای واحد جز ناشی از اختلاف جهان‌بینی و نوع تفکر قبلی آنان نتواند بود.

از سوی دیگر، نظریه‌پرداز علوم انسانی استنتاج‌هایش را بر بنیاد فرضی بیشین آغاز می‌کند، و در ضمن پژوهش‌های بعدی خود باید صحت آن فرض را به اثبات رساند. نقطه آغاز کار نویسنده کتاب حاضر این است که «انسان حیوانی است نمادساز»؛ و این نقطه آغاز، نتیجه‌گیری او نیز هست. اما قضاوت درباره اینکه مؤلف در ضمن تحقیق راجع به رویدادهای فرهنگی تا چه حد ذهنش را از شر پیشداوری‌ها به دور داشته و تا چه حد به شرافت و صداقت علمی پای‌بند بوده است با دیگران است.

آثار پیشگام کلاسیک، که در آن‌ها اندیشه تازه‌ای در حد کمال مطرح شده باشد، به سرعت و به آسانی کهنه نمی‌شوند. مهم‌تر از همه، اگر قرار باشد که کسی اندیشه و سخن تازه‌ای مطرح کند، باید با آثار و اندیشه‌های بنیادین کلاسیک آشنا باشد، چنان‌که فیلسوفان معاصر بدون آشنایی با آثار و افکار افلاطون و کانت و نیچه نمی‌توانستند به تنظیم دقیق اندیشه‌های فلسفی خود توفیق یابند، و خلاقیت در زمینه ادبیات و هنرهای جدید نیز بدون آگاهی از ارزش‌های ادبیات و هنرهای کهن و کلاسیک امری است تقریباً بعید، و شاید محال.

کتاب تکامل فرهنگ، که ترجمه فارسی آن اکنون در دسترس خوانندگان قرار دارد، نخستین بار در سال ۱۹۵۹ میلادی انتشار یافت. به همین سبب ممکن است خواننده، به دلیل قدیمی بودن نسبی اثر، اطمینان خاطر خود را در مورد صحت نظریه‌های نویسنده از دست بدهد و خواستار اثری جدیدتر در زمینه این نظریه‌ها باشد. مترجم نیز قبلاً به همین نظر معتقد بود، ولی از سال‌ها پیش که تصمیم به ترجمه این اثر گرفت در تفتحص و

تجسس بود که چنانچه اثر جدیدتر و کامل‌تری در این مورد انتشار یافته باشد به ترجمه آن همت گمارد، اما هرگز کتابی به جامعیت این اثر، که فراختای گسترده‌ای از تاریخ تمدن بشر و سیر تحول فرهنگ را پژوهیده است، نیافت.

مؤلف کتاب مضمون تازه‌ای در نوشته‌های مربوط به انسان‌شناسی مطرح کرده و آن عبارت است از مفهوم «تکامل»، که خواننده فارسی زبان تاکنون کتابی اساسی از این دیدگاه برای تحلیل و تفسیر تمدن و فرهنگ آدمی و در اختیار نداشته است. بنابراین کتاب حاضر، که به عنوان متنی کلاسیک و بدیع مفهوم «تکامل» را در انسان‌شناسی وارد کرده است، شالوده فهم نظریه‌های جدیدتری است که کسان دیگر در آثار خود پرورانده‌اند. به عقیده منتقدان نظریه‌های انسان‌شناسی، کتاب حاضر و نظریات وایت مهم‌ترین کار در انسان‌شناسی، به ویژه در دفاع از مفهوم «تکامل»، در قرن بیستم تا دهه ۱۹۷۰ میلادی بوده است. کسانی که بعداً در این مورد کارهای مهم کرده‌اند اکثر شاگردان او بوده‌اند و به هر حال در رابطه با نظریات او موضع جدید گرفته‌اند.

نکته دیگری که، اختصاصاً در این مورد، دلیل مربوط به کهنگی اثر را نامعتبر می‌سازد مضمون این اثر است. کتاب، در واقع، یک دوره کامل درس انسان‌شناسی است که نویسنده در آن سیر پیشرفت را از حدود یک میلیون سال پیش، مرحله به مرحله، با بیانی روشن، و با ذکر منابع و مأخذ متعدد معتبر، برای خواننده شرح می‌دهد و روابط فرهنگ با عناصر و عوامل گوناگون را باز می‌گوید. در میان انسان‌شناسان قرن بیستم هیچ پژوهشگر دیگری نتوانسته است سیر تحول یک میلیون سال فرهنگ انسان و پدیده‌های وابسته به آن را از دیدگاه تکامل‌گرایی، با روشنی و سادگی هرچه تمام‌تر در معرض داوری خواننده قرار دهد. موضوع تحقیق این کتاب روزگاران گذشته‌ای است که هرگز در حیطه مشاهده و تحقیق عینی و تجربی قرار نمی‌گیرد، و معلوم نیست

که استنتاج‌های پژوهشگران جدیدتر دربارهٔ این مسئله کهن تاریخی از استنتاج‌های نویسنده حاضر منطقی‌تر و علمی‌تر باشند.

مؤلف کتاب تکامل فرهنگ، لسلی الوین وایت^۱، در ۱۹ ژانویه ۱۹۰۰ در شهر سالایدا^۲ واقع در ایالت کالورادو^۳ متولد شد. پدرش مساحی تقریباً سیار و گاه کشاورزی اجاره‌نشین بود. لسلی بیشترین بخش از دورهٔ کودکی‌اش را در قسمت‌های روستایی کانزاس^۴ و لوئیزیانا^۵ گذراند. پس از خدمت در نیروی دریایی ایالات متحد، وارد دانشگاه ایالتی لوئیزیانا شد. اما دو سال بعد به دانشگاه کولامبیا^۶ انتقال یافت؛ از این دانشگاه در سال ۱۹۲۳ مدرک لیسانس، و در ۱۹۲۴ مدرک فوق لیسانس در روان‌شناسی گرفت. در این دانشگاه به تحصیل در رشتهٔ انسان‌شناسی پرداخت؛ تجربه‌های فکری وی در این زمینه، به گفتهٔ خود او، در «مدرسهٔ جدید پژوهش اجتماعی» پرورده شدند. او در این مدرسه آموختن دوره‌های دروسی را آغاز کرد که استادانی چون الکساندر گولدن وایزر^۷، ویلیام ا. تامس^۸، تورستاین ویبلن^۹، و جان ب. واتسن^{۱۰} در آن‌ها تدریس می‌کردند. در ۱۹۲۳-۱۹۲۴، که دانشجوی روان‌شناسی بود، مقاله‌ای نوشت با عنوان «شخصیت و فرهنگ»، که فوراً به چاپ رسید، و در آن از کاربرد مهم فرهنگ به عنوان یکی از متغیرها در تحقیقات روانی طرفداری کرد. در ۱۹۲۴ تصمیم گرفت که جامعه‌شناسی را زمینه کار و زندگی علمی خود قرار دهد. از این رو به دانشکدهٔ مربوط به این رشته در دانشگاه شیکاگو^{۱۱} انتقال یافت. در این دانشکده، جامعه‌شناسی شامل انسان‌شناسی می‌شد، و وایت هر قدر که دوره‌های تابستانی را به صورت عملی در میان سرخ‌پوستان کِرسی^{۱۲} در نیومکزیکو^{۱۳} می‌گذراند، خود را بیشتر از پیش علاقه‌مند به قوم‌شناسی می‌یافت.

1. Leslie Alvin White

3. Colorado

5. Louisiana

7. Alexander Goldenweiser

9. Thorstein Veblen

11. Chicago

13. New Mexico

2. Salida

4. Kansas

6. Colombia

8. William A. Thomas

10. John B. Watson

12. Keresan

اولین شغل او در «موزه علم» بافلو^۱ و دانشگاه بافلو در سال ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۰ بود. نزدیکی این مکان به محل سکونت سرخ‌پوستان سنکا^۲، وی را سخت به این مردم و به نخستین قوم‌نگاری که درباره آنان تحقیق کرده بود — یعنی لوئیس ه. مورگان^۳ — علاقه‌مند ساخت. وایت به سرعت متقاعد شد که انسان‌شناسی معاصر در حق مورگان، به ویژه نظریه تکامل‌گرایی وی، با انصاف رفتار نکرده است، و سال‌های بعد مدتی طولانی بر سر مجموعه بزرگ مدارک خصوصی‌ای که مورگان گرد آورده بود کار کرد، و در همان زمان به پژوهش‌های عملی و میدانی خود در نیومکزیکو ادامه داد. در سال ۱۹۳۰ به عنوان جانشین جولیثن ه. استیونرد^۴ به دانشگاه میشیگان^۵ منتقل شد و تا سال ۱۹۷۰ که بازنشسته شد در آنجا تدریس کرد. در ۱۹۳۱ با مری یچین^۶، که سابقاً در دانشگاه بافلو شاگرد او بود، پیوند زناشویی بست.

وایت در سال ۱۹۵۲ دکتری افتخاری در علوم از دانشگاه بافلو، و در ۱۹۷۰ دکتری افتخاری در حقوق از دانشگاه کالورادو دریافت کرد. جایزه سالانه مربوط به «خدمات ارزشمند» که هیئت علمی دانشگاه میشیگان به تصویب رسانده بود، در ۱۹۵۷ (اولین سال تصویب) به او اعطا شد. در ۱۹۵۹ مدال بنیاد وینر-گرن^۷ را دریافت کرد. در ۱۹۵۸ معاون «انجمن امریکایی برای پیشبرد علم» بود، و در ۱۹۶۶ رئیس انجمن انسان‌شناسی امریکا شد. در دانشگاه یچین^۸ (پکن)، بیسل^۹، هاروارد^{۱۰}، کالیفرنیا^{۱۱} در برکلی^{۱۲}، رایس^{۱۳}، سن فرنیسکو^{۱۴}، و کالیفرنیا در سانتا باربارا^{۱۵} به عنوان استاد میهمان خدمت کرد.

1. Buffalo
3. Lewis H. Morgan
5. Michigan
7. Wener- Gren
9. Yale
11. California
13. Rice
15. Santa Barbara

2. Seneca
4. Julian H. Steward
6. Mary Pattison
8. Yenchin
10. Harvard
12. Berkeley
14. San Francisco

ممتازترین افتخار معنوی که به وایت تعلق گرفت امتیازی غیر دانشگاهی بود که در ۱۹۴۷ قبل از «عصر تلویزیون» نصیب وایت شد. در آن سال، وی در مقام نماینده رشته علوم اجتماعی برای شرکت در مجموعه‌ای رادیویی زیر عنوان *دانشمندان سخن می‌گویند* برگزیده شد. بعد از ظهر یکشنبه هر هفته در فاصله کنسرت‌های انجمن فیلامونیک نیویورک، که از تالار کارنگی^۱ پخش می‌شد، هر دانشمندی در رشته تخصصی خود مطالب عمومی مهمی را عنوان می‌کرد. سخنرانی درخشان وایت با عنوان «نیرو (انرژی) و پیشرفت تمدن» با استقبال عمومی مواجه شد و در نشریه‌های گوناگون، حتی در *Time Magazin*، به چاپ رسید.

وایت، به رغم آنکه سال‌ها بیمار بود، جز در مدت کوتاهی که در بیمارستان بستری شد، پیوسته در دفتر کارش به پژوهش و نگارش اشتغال داشت. چندبار دچار سکت‌های خفیف شد، و سرانجام در ۳۱ مارس ۱۹۷۵ در اثر حمله‌ای قلبی در کالیفرنیا درگذشت. از او در حدود سیصد اثر - اعم از کتاب، مقاله، نقد، بررسی، و سخنرانی چاپ شده - برجا مانده است.

بیشترین وقت و تلاش وایت در کار علمی صرف پژوهش‌های میدانی و تحقیق در کتابخانه می‌شد؛ نتیجه این زحمات تهیه پنج تکنگاشت در زمینه قوم‌شناسی بود. او در پژوهش‌های عملی و تقویت مبانی نظری به نحو یکسان و متعادل پیش می‌رفت: عمل و نظر را لازم و ملزوم و مکمل یکدیگر می‌دانست. اعتراض وی به مکتب انسان‌شناسی بوناس^۲ این نبود که چرا هواداران این مکتب به کارهای میدانی و توصیفی می‌پردازند بلکه اعتراضش به فقدان نظریه‌ای فرهنگی در این مکتب و منفی‌بافی هواداران در برابر چنین نظریه‌ای بود. جرئت و جسارت وایت در انتقاد از نظریه‌های انسان‌شناختی بوناس، اگر چه امواج مخالفت‌هایی را بر ضد وی برانگیخت، تأثیرات فکری عمیقی بر انبوه دانشجویان رشته‌های گوناگونی چون ادبیات انگلیسی، روزنامه‌نگاری، فلسفه، و تاریخ بر جای نهاد. دوره دروس

1. Carengi

2. Franz Boas

«فرهنگ‌شناسی» و «ذهن انسان ابتدایی» او را در میان روشنفکران دانشگاه‌های مختلف بسیار مشهور ساخت، و همین امر سبب شد که به عنوان سخنران به باشگاه‌ها و سازمان‌های روشنفکری متعدد دعوت شود. او وقت و نیروی خود را با رغبت و به رایگان در این مجامع صرف می‌کرد و برای تهیه هر سخنرانی، مثل همیشه، سنگ تمام می‌گذاشت.

وایت بنیادگذار «فرهنگ‌شناسی» و «نظریه تکاملی» بود، اما خوش نداشت که با چایلد^۱ و استیونرد در یک گروه سه نفره به عنوان «نو تکامل‌گرایان» طبقه‌بندی شود، زیرا میان نوشته‌های خود و نوشته‌های ایشان شباهتی نمی‌دید و مکرراً تأکید می‌کرد که طرز فکر او درباره تکامل به هیچ وجه «نو» نیست و در اصل با آنچه در کتاب *انسان‌شناسی تایلر*^۲ در سال ۱۸۸۱ بیان شده است دژهای فرق ندارد. بیشترین شهرت و اعتبار وایت در محافل جهان وابسته به این بود که وی با شهادت هرچه تمام‌تر از نظریه تکامل سده نوزدهم - که هربرت اسپنسر^۳، لوئیس مورگان، و ادوارد تایلر پرورانده بودند - دفاع می‌کرد و با موضع منفی‌ای که انسان‌شناسی امریکایی در برابر آن میراث مهم و گرانقدر اتخاذ کرده بود به مخالفت برمی‌خاست. اگرچه انسان‌شناسان وایت را بیشتر به مناسبت هواداری دلیرانه‌اش از نظریه «تکامل فرهنگ» می‌شناسند، اما جنبه‌های دیگر کارها و آثار او، به ویژه توجهش به امور خارج از حوزه حریفه تخصصی‌اش، موجب جلب علاقه مردم به او شده است.

یکی از دلایل اینکه وایت زمانی به تحصیل در روان‌شناسی پرداخت، زمانی به جامعه‌شناسی گرایید، و سرانجام به انسان‌شناسی روی آورد آن بود که وی به شدت میل داشت به این نکته اساسی پی ببرد که چرا ملت‌ها بر طبق فرهنگ خویش رفتار می‌کنند. وایت با طرح نظریه‌اش در زمینه تکامل فرهنگ و انتقادش از نظام سرمایه‌داری بخشی از دولتمردان و کشیشان متحجر را ناراضی کرد، اما جامعه روشنفکری در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ تحت تأثیر ارزش‌های علمی جدیدی که وی مستقر ساخته بود قرار گرفت.

1. Childe

2. Edward Burnett Tylor

3. Herbert Spencer

از آنجا که دانشجویان و پژوهشگران رشتهٔ انسان‌شناسی در ایران نیاز دارند که با انواع نظریه‌ها به صورت تاریخی در زمینهٔ سیر تحول فرهنگ و تمدن آشنا شوند، بر مترجمان گرامی است که زبده‌ترین آثار پیشگامان این رشته‌ها را در اختیار آنان قرار دهند تا بتوان از پیشینه‌های تمدن و فرهنگ برای بنا کردن فرهنگ و تمدنی که زبندهٔ انسان باشد یاری گرفت. امروز، که به ویژه نیاز به جدال اندیشه‌ها و همزیستی فرهنگ‌ها بیشتر از هر زمان دیگری در سطح جهان احساس می‌شود، شرکت نشر نل آفتاب گام نهادن در عرصهٔ خدمات فرهنگی را وجههٔ همت خود ساخته است، و بنابراین نشر چنین اثری را به عنوان نشانه‌ای از خلوص و دانش دوستی دست اندرکاران این مؤسسه به فال نیک می‌گیریم.

تذکر: خواننده در سراسر متن کتاب به دو نوع شماره برمی‌خورد: یک دسته شماره‌های ساده، مربوط به اصطلاحات علمی و فنی تخصصی یا نام‌های خاص یا توضیحات مترجم، که در حاشیهٔ زیر همان صفحه ذکر شده‌اند؛ و دستهٔ دیگر شماره‌هایی در داخل [کروشه]، که به ارجاعات مربوط می‌شوند. همهٔ ارجاعات هر فصل در پایان همان فصل یکجا گردآوری شده‌اند و خواننده برای آگاهی از منابع و توضیحات نویسنده می‌تواند زیر همان شماره به پایان فصل مربوط رجوع کند.

فربرز مجیدی